

اینترنت، سیاست مجازی، اندونزی

نویسندگان: «کریشنا سن» و «دیوید هیل»

مترجم: سید علی خردمندان سعدی

چکیده:

از مهمترین رخدادهای تاریخی کشور اندونزی، دگرگونی در سرنوشت سیاسی آنان و سرنوشت حکومت سوهارتو به سال ۹۸ میلادی است.

به یقین و بر اساس شواهد متقن، قشر دانشگاهی و فرهیخته آن دیار نقش بزرگی در کسب آزادی‌های اجتماعی داشتند و به خوبی از ابزار فن آوری جدیدی به نام اینترنت که زمینه‌های آن را حکومت دیکتاتوری برای اهداف مورد نظر فراهم کرده بود، بهره بردند.

قدرت اینترنت در اندونزی برای برقراری دموکراسی گرچه، به عنوان پدیده‌ای جدید و تأثیر گذار در عرصه سیاست بودند ولی با توجه به ویژگی‌های خاص بهره‌گیری از آن (درجه‌ای از فهم، سواد، زبان، ادبیات و تکنولوژی) حوزه نفوذ خود را ناظر به توانایی کاربران تعریف می‌کند.

از این رو در این مقاله، اینترنت به مثابه سیاست مجازی را می‌بایست با عنایت به محدودیت‌های ابزار - مخاطب فهم کرد.

کلید واژگان: اینترنت، سیاست مجازی، بزرگراه اطلاعاتی، اندونزی، اطلاعات جهانی.

اگر رادیو وسیله ارتباط جمعی اصلی در استقلال اندونزی بود، اینترنت در رأس وسایل ارتباط جمعی قرار داشت که در سرنگونی سوهارتو (Suharto) موثر بودند. بی شک اینترنت توسط مخالفان متوسط شهری به طور گسترده در دو سال آخر حکومت سوهارتو مورد استفاده قرار گرفت تا بر سانسور خبرها (و اخبار عمومی) از سوی رژیم فایق آیند. دانشجویان هم اینترنت را برای برنامه ریزی جنبش‌ها و همچنین اندازه‌گیری کمک‌های بین‌المللی به برپایی اعتراض‌ها و اعتصاب‌های انبوه ملی به کار می‌بردند، که نتیجه آن در پایان، فروپاشی رژیم سوهارتو بود. در روزهای پایانی در حالی که نیروهای ارتش به سختی محیط را محاصره کرده بودند، دانشجویان اشغال‌گر مجلس با استفاده از لپ‌تاپ‌های خود اخبار را به بیرون می‌فرستادند.

شور، علاقه و دل‌بستگی جهانی به قدرت اینترنت در برقراری دموکراسی و تغییر سیستم سیاسی، پذیرش تکنولوژی را از ابتدا توسط اندونزی، القا کرده بود. اندونزی از کشورهای حداقل شبکه‌ای (اینترنتی) جنوب شرق آسیا باقی‌مانده است، اما علی‌رغم آمار ارائه شده تعداد مشترکان و متعهدان مالی در پایان سال ۱۹۹۷ از ۵۰/۰۰۰ به ۱۰۰/۰۰۰ افزایش یافت. ارقام هر چه باشد، اینترنت از سوی هر دو طیف مورد استقبال گرم قرار گرفته است: هم توسعه‌دهندگان تکنولوژی در "نظم جدید"، یعنی رئیس جمهور بی‌جی‌حبیبی (وزیر تکنولوژی که مرکز ثقل توسعه اینترنت در اندونزی بود) و هم مخالفان دولت سوهارتو. البته اینترنت همچون تکنولوژی‌های دیگر در معرض یک سری مسائل متفاوت و گاهی متناقض بوده است و این بخش از کتاب به مطالعه گرایش مردم به استفاده از اینترنت در اندونزی با هدف حرکت به سوی آزادی سیاسی می‌پردازد.

همان گونه که قبلاً یادآور شدیم در برهه‌ای از زمان که تغییرپذیری و محو خطوط مرزی میان گزارش‌ها و اخبار حقیقی و آنچه کپی، ترجمه یا منتخب موضوعات خارجی بود، افزایش یافت، هویت ملی دادن به گزارش‌ها و محصولات رسانه‌های گروهی، کاری بس دشوار و یا نشدنی خواهد بود.

در مورد اینترنت نیز بنا بر آنچه نقل شد، می‌توان گفت هر چه تلاش‌های متن سازی منابع و اهداف ملی و فضایی توسط Cyber traffic (ترافیک مجازی) منتفی می‌شد، شرایط اندونزی پیچیده‌تر و غیر قابل پیش‌بینی‌تر می‌گشت. بنابراین، تعریف ما از Cyber Space (فضای مجازی)، مستبدانه و اختیاری خواهد بود که این معنا متکی بر فرض و پذیرش مکان‌های فیزیکی مشترکان وبسایت‌های ایمیلی و یا لیست مرسولات است. ما پهنه کنترل و مقررات اینترنت اندونزیایی را در قلمرو کشور مستقل

و مقتدر اندونزی تشریح خواهیم کرد. از طرفی نمی‌توانیم پایگاه‌هایی که در آدرس خود جهانی بودند و در خارج از اندونزی جای داشتند، از تجزیه و تحلیل فعالیت‌ها و جنبش‌های سیاسی اندونزی در اینترنت نادیده گرفته و مستثنا کنیم. بنابراین، هر دو مورد برای هر گونه استنباطی از جایگاه اینترنت در سیاست اندونزی مهم و اساسی است.

بزرگراه اطلاعاتی (کافی اینترنت) در اندونزی

دولت اندونزی، همچون همسایگان آسیای جنوب شرقی‌اش در سال‌های ۱۹۹۰ بزرگراه اطلاعات را به عنوان بخشی از رؤیای توسعه خود پذیرفت. بسیاری از اقدامات اولیه زیربنایی این بزرگراه اطلاعاتی در اندونزی توسط یک اداره صنایع سنگین که آن را فرزندان حبیبی می‌خواندند، پی‌ریزی شد. نسلی از تکنولوژیست‌های آموزش دیده داخلی و خارجی که از سیاست‌های عالی و مدافع، بهره برده بودند از سخاوت وزیر سابق تحقیقات و فن‌آوری (۹۸ - ۱۹۷۸) بی‌جی حبیبی، نخستین وزیر اندونزیایی دارای صفحه خانگی در اینترنت، به دست آمده بود.

در سال ۱۹۸۶ شورای تحقیقات ملی تحت نظر حبیبی، توسعه اطلاعات علوم و تکنولوژی را پیشنهاد کرد که در سال ۱۹۸۹ این امر به برنامه‌ریزی جهت اطلاعات شبکه‌ای IPTEK نت منجر شد. اواسط دهه ۱۹۸۰ دانشگاه‌ها، نخستین تجربه کنندگان خطوط اینترنتی بودند. دانشگاه‌های معتبر و صاحب نامی، مثل مؤسسه تکنولوژی باندونگ (ITB)، مؤسسه تکنولوژی سورابایا (ITS)، گادجاه مادا (UGM)، دانشگاه اندونزی (UI) همگی از سال ۱۹۸۶ در تأسیس و پایه‌گذاری شبکه‌ای دانشگاه داخلی، یونی‌نت، مشارکت جستند که توسط دپارتمان آموزش و فرهنگ بنا شده بود. در آوریل ۱۹۹۳ شبکه IPTEK کمیته‌ای را طراحی کرد که الگوی نخستین میکرو TPTEK نت را آزمایش کرد. این، خود شامل شش دستگاه دولتی و چندین دانشگاه معتبر و مراکز تحقیقاتی پژوهشی می‌شد. بسیاری از مهندسان کامپیوتر که از دیدگاه مترقی حبیبی در مورد اندونزی با تکنولوژی پیشرفته - همان جهش به قرن بیست و یکم - بهره برده بودند، جهت ارتقای اینترنت و تلاش‌های بعدی در دهه ۱۹۸۰ به استخدام دانشگاه‌هایی، مثل ITB و مراکز تحقیقاتی - مثل BPPT و LAPAN Aeronautics اندونزیایی و مؤسسه فضایی که هر دو تحت نظر حبیبی بودند - در آمدند. اواسط دهه ۱۹۹۰ همین افراد نخستین کمپانی‌های اینترنتی تجاری، مثل نت PAD را پایه‌گذاری کردند. افزایش تقاضا برای دست رسی اینترنتی در اواخر دهه ۱۹۹۵ آغاز شد و در نیمه نخست ۱۹۹۶ به اوج خود رسید. در عین حال، سرعت و کارآمدی تکنولوژی به شکل

تصادفی گسترش می‌یافت.

اواخر سال ۱۹۹۵ آمار ۱۵/۰۰۰ نفری از کاربران اینترنت در اندونزی به دست آمد که به وسیله پنج شرکت خدمات اینترنتی بازرگانی (تجاری) (ISPs) به اضافه شبکه IPTEK سرویس‌دهی می‌شد. پس از شش ماه متوالی، از این تعداد هم فراتر رفت و رشدی قارچ گونه یافت. در می ۱۹۹۶، بیست و دو ISP به همراه راهنمایان جهان گردان، پست و مخابرات ثبت شده بود. در سپتامبر همان سال تعداد دو برابر مجوز اداره کردن و ارائه خدمات داشتند، اما تنها حدود ۱۵ مورد آنها فعال بودند. اواخر ۱۹۹۶ آمار ۴۰/۰۰۰ مشترک، ارائه شد که حدود ۲۵/۰۰۰ آنها از سرویس‌های تجاری استفاده می‌کردند. تعداد ISPها و مشترکان آنها پیوسته در حال افزایش بود، اما باز هم آهسته تر و آرام‌تر از صنعت فرافکنی ۱۹۹۶.

به هر حال، کاربرد پسردها و شماره‌های مشترک موجب می‌شد شمار کاربران از تعداد شماره‌ها بیشتر باشد. اینترنت نیز به خوبی و دقیقاً به موازات تعداد واقعی ارتباطات چنین حضوری در رسانه و در سیاست داشت (دقت ابعاد و اندازه کل جمعیت) دولت، بازرگانان و رادیکال‌ها همه در مورد آن صحبت می‌کردند.

روزنامه‌های مهمی، همچون کومپاس (Kompas)، مدیا اندونزی (Media Indonesia) و ری‌پابلیکا (Republika) بخش‌ها یا ستون‌هایی را به اینترنت و تکنولوژی کامپیوتری مربوطه اختصاص دادند. و بازرگانی و تجارت نیز قانع شده بود که اینترنت عوامل بازرگانی را دست‌خوش تغییر و تحول کرده است. می‌توان سرویس وب به پهنای جهان (www) را با قیمتی نصف هزینه یک اطلاعیه تمام صفحه‌ای در روزنامه‌ای ملی داشت. و میلیون‌ها نفر را مخاطب قرار داد. همان طور که خدمات استخدامی، اطلاعات آخرین پیشرفت‌های پزشکی، رزرو بلیط‌های مسافرتی، موزیک‌های اندونزیایی، آموزش و اطلاعات فرهنگی روی شبکه ارائه می‌شد، اینترنت بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت. در واقع پنجره‌ای بود به روی جهان. آدرس‌های اینترنتی روی کارت‌های تجاری مدیران کمپانی‌ها و فعالان سیاسی ذکر شده بودند. حتی برنامه‌های تلویزیونی اجرا می‌شد که مردم از طریق کامپیوتر و مودم خانگی‌شان در آن شرکت می‌کردند. در عین حال، آمار قابل قبول یا اثبات شدنی از کاربران اینترنت موجود نبود. دپارتمان گردش‌گری، پست و مخابرات در سال‌های ۹۶-۱۹۹۵ آماری منتشر کردند که بازار تکنولوژی اطلاعات در اندونزی را معادل بیش از ۱۰۰ میلیارد R. P (تقریباً ۴۳/۵ میلیون دلار آمریکایی) برآورد کرد که حدود چهل درصد آن در صنعت مالی و بانکی جریان داشت. به لحاظ جغرافیایی بیش‌ترین تمرکز کاربران در جاکارتا، جایی که تسلط و غلبه با ISPهای

تجاری بود، بعد از آن بندونگ Bandung جایی که دانشگاه‌ها (ITB مقدماتی) خدمات را ارائه می‌کردند. آمار غیر رسمی سال ۱۹۹۶ که هم در لیست ارسالی‌های آپاکابار Apakabar - بزرگ‌ترین لیست ارسالی mailing اندونزی - و هم در « اینفو کامپیوتر » (Info Komputer) - برجسته‌ترین مجله کامپیوتری اندونزی - منتشر شد، بدین شرح بود: شرکت‌های تجاری (ملی و نیمه ملی و هم‌چنین ورژن‌های انتشارات زمینی W. W. ۸/۴۲٪ ، W) مراکز تحقیقاتی ۵/۸٪، دانشگاه‌ها ۲۹/۵٪، دپارتمان‌های دولتی و صنایع ۲۰/۹٪ و مراکز غیر دولتی ۱٪.

در اواسط دهه ۱۹۹۰ دست رسی عمومی به اینترنت، آخرین اطلاعات تکنولوژی را در اختیار کسانی که خارج از این مؤسسات بودند، نیز گذاشت، حتی کسانی که کامپیوتر یا ارتباطات تلفنی هم نداشتند. از اواسط دهه ۱۹۸۰ واتل (Watel) در این کشور بهره برداری می‌شد. ارسال فاکس از طریق Watel شکل و نمونه نسبتاً مطمئنی از ارتباطات سیاسی نیمه عمومی بود. خدمات پستی صنفی شده اندونزی در ماه ژوئن سال ۱۹۹۵، اینترنت را به شکل درونی از سال ۱۹۸۸ به کار گرفت.

حوالی سال ۱۹۹۳ به موازات قراردادهای موجود برای تأمین تجهیزات فاکس و تلفن راه دور و بین الملل، طراحی تأسیس کیوسک ایمیل Warpoitron در دفاتر پستی آغاز شد.

اوایل ۱۹۹۸ تجهیزات اینترنتی Wasantara مربوط به خدمات پستی در ۷۰ شهر دست یافتنی بود. دست رسی عمومی به اینترنت، نه تنها روش سریعی از ارتباطات را به بخش‌های وسیعی از جمعیت‌های شهرنشینی ارائه کرده بود، بلکه این نوع ارتباط کمتر از فکس و تلفن عمومی مورد نظارت و مراقبت و ویرانداز کردن قرار می‌گرفت.

بزرگراه اطلاعاتی در جوگ جاکارتا

در جاکارتا به تاریخ سپتامبر ۱۹۹۶ سه مرکز عمومی اینترنتی افتتاح شد. که دو مورد آن در مرکز آموزش عالی این شهر دانشگاهی باستانی قرار داشت. طی ماهی که پرچم‌ها هر پنجاه متر در خیابان‌های کلمبو Colombo و گیجایان Gejayan به اهتزاز در آمده بودند و از کمپ‌های دانشگاه‌های آتما جایا Atma Jaya و ساناتا درمه Sanata Dharma، تا برسد به IKIP کالج آموزگاران و هم چنین در امتداد ضلع جنوبی دانشگاه معتبر گاجا مادا Gadjah Mada University ادامه داشتند.

بیش از یک هفته جمعی از جوانان پر جنب و جوش و انبوهی از موتور سیکلت‌های پارک شده و دوچرخه‌های خارج یک وارونگ (Warung) کیوسک کوچک، نظرها را به شاخه بزرگراه اطلاعاتی یا کافی اینترنت جلب می‌کرد. زمانی که در هفدهم سپتامبر،

استفاده رایگان برای هفته افتتاحیه و گشایش ارائه شد در ساعات کاری ۹ صبح تا ۱۰ شب هر هفته غرفه یک سره مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. کمتر از یک کیلومتر آن طرف‌تر در جالان سیماندا چون‌تاکا Jalan Simand Juntak در غرب کمپ (یو جی ام) حدود ۳۰۰ متر آن طرف‌تر [از مرکز اینترنت دانشگاه به نام‌ای ام‌ای] کافه نت دیگری به نام pujayo. c@fe. net در تاریخ نهم سپتامبر گشایش یافت که شبکه کامپیوتری هشت گانه آن، در یک سوم طبقه زیرین سالن غذاخوری عمومی قرار داشت و از دیوارهای شیشه‌ای دیده می‌شد.

«واسانتارا نت» با سر و صدا و تبلیغات کمتری در دوازدهم سپتامبر به عنوان اینترنت عمومی سومی، شروع به کار کرد. «ای اس پی» ملی توسط خدمات پستی دولتی تأسیس شد که کار خود (پست اینترنتی) را با سه دستگاه کامپیوتری که در گوشه دفتر پست جا داده شده بودند، شروع کرد. واسانتارا تنها به ارائه خدمات در بخش تجاری و مشتریان خصوصی در جوگ جاکارتا در ماه فوریه ۱۹۹۶ پرداخت و در سپتامبر حدود ۷۰۰ مشتری برای خود جمع کرد. معادل ۶۰، ۷۰ کاربر جدید در هر ماه. وارنت در واقع گسترش قانونی خدمات واسانتارا بود.

حتی در مقایسه با جاکارتا - جایی که دسترسی به اینترنت برای کاربران و مشتریان خصوصی از ماه می ۱۹۹۵ امکان پذیر شده بود - دسترسی عمومی اینترنتی در یوگیا (yogya) به مراتب فزون‌تر بود. در جاکارتا تنها یک جفت کافی‌نت در اواخر ۱۹۹۶ تأسیس شده بود. سورابایا (Surabaya) با جمعیت بیش‌تری نسبت به جوگ جاکارتا، تنها یک کافی‌نت در آن زمان داشت، به نام سای‌بر کافی آن هم، در مرکز فرهنگی فرانسه که در اواسط جولای ۱۹۹۶ گشایش یافت. اما نسبت بالای دانشجویان تحصیلات عالی شهر یوگیا نسبت به کل جمعیت - که پس از جاکارتا قرار داشت - و تمرکز مؤسسات آموزش عالی در بخش شمال شهر شرایط ایده‌آلی برای توسعه اینترنت ایجاد کرد. قیمت از R. p ۱۰۰ تقریباً معادل ۵ سنت آمریکا در هر دقیقه شروع می‌شد. حدوداً دو برابر قیمت تلفن‌های محلی، اما خیلی ارزان‌تر از مکالمات راه دور که در ضمن برای بسیاری از دانشجویان نیز قابل پرداخت بود. طبق نظر کارمندان سه مرکز عمومی اینترنتی، غالب کاربران، جوان (زیر ۳۰ سال) و مرد بودند.

اواسط سال ۱۹۹۸ بحران پولی تعداد کاربران پر و پا قرص - که حق عضویت را از طریق حساب‌های شخصی پرداخت می‌کردند - کاهش داد. در یوگیا، ISP واسانتارا (Wasantara) سومین رتبه در کمترین کاربران را در سال ۱۹۹۸ نسبت به ۱۹۹۶ بدست آورد. اما در همین دو سال، شمار کیوسک‌های اینترنتی در شهر از ۳ عدد، به ۱۲ (یک

جین) افزایش یافت. دانستن این که بحران مالی واقعاً شمار کل کاربران اینترنت را کاهش داد، کار آسانی نیست.

از نظر کیوسک‌ها مشتریان مراکز خدماتی اینترنتی ساعتی، غالباً در معرض سخت‌گیری بیش از حد دولت بودند. شاید تا حدی بدان سبب که تا آن زمان سیاست و قانون یا عملکرد دولتی روشنی وجود نداشت، اما تا حدی هم به منظور اطمینان در مورد آنارشیست (دولت ستیزی) و کارکردهای فردگرا (خود محور) اینترنتی که مقوله تکنولوژی را حکم‌فرما کرده بود. نفوذ و نظارت دولت بر اینترنت محلی (وارنگ) بسیار بالا بود، تا جایی که گرفتن مجوز ایجاد کافه‌های اینترنتی یوگیا سخت‌تر از گشایش مراکز کامپیوتر - اجاره‌ای تجاری، نبود ؛ البته این امر شامل دانشکده‌ها هم می‌شد. نظر کارمندان یوگیا در مورد اینترنت عمومی این بود که هیچ گونه مهار و کنترلی در مورد دست رسی به هیچ یک از سایت‌ها و پایگاه‌های وجود ندارد. حتی وارنت واسانترا (War net Wasantara) که به سبب ارتباطش با خدمات پستی دولتی شاید امنیتی - اطلاعاتی بود، هیچ گزارشی از مشخصات مشتریان نگهداری نمی‌کرد.

سیاست‌های اینترنتی (رقابت و درگیری در اینترنت)

اندونزی، در مقایسه با آمریکا حتی در مقایسه با برخی از همسایگان آسیایی، مثل سنگاپور در مورد هزینه گری و هزینه نگاری اینترنتی ملایم‌تر بود. Yogy Warnet اعلام کرد که تقاضای پایگاه‌های هزینه گری در اقلیتند. کارمندان کیوسکی معتقدند که تقاضای اطلاعات سیاسی قوی‌تر و بیشتر بوده و تحقیقات آموزشی در رتبه بعدی قرار دارد و آنها هیچ‌گاه کنترل یا ممنوعیت دست رسی مشتریان را به هیچ پایگاهی ایجاد نکردند، چه هزینه نگاری و چه سیاسی. با این همه، کافی اینترنتی جاکارتا سایبر کورنر (Jakarta`s Internet Caf  Cyber Corner) اطلاعاتی مبنی بر ممنوعیت دست رسی به سایت‌های هزینه‌گرایی را منتشر کرد.

از نظر دولت سوهارتو، بیشترین کاربرد سیاسی اینترنت قدرت و توانایی آن برای انتشار اطلاعات سیاسی سانسور نشده بود. مجله خبری تمپو - توقیف شده در سال ۱۹۹۴ - با عنوان تمپو اینتراکتیف در مارس ۱۹۹۶ به روی اینترنت رفت. جزئیات ثبت‌نام مشترکان در شش ماهه (مارس - آگوست) نشان داد که تنها بالای ۱۰٪ از ۴۰/۰۰۰ جمعیت شبکه‌ای اندونزیایی در آن زمان در تمپو اینتراکتیف Tempo Interaktif وارد شدند. تجربه خود ما پس از شورش مدنی ۲۷ جولای ۱۹۹۶ نشان داد که حداقل در یوگیا، کاربرد نت، شبیه گوش دادن به اخبار خارجی موج‌های کوتاه و توزیع و پخش بولتن‌های زیرزمینی شده بود. کاری سمبلیک از مقاومت و منبع مهمی

از قاچاق اطلاعات.

یکی از مهم‌ترین محرک‌ها برای ارتش و دپارتمان اطلاعات موفقیت بزرگ لیست گفت‌وگوی ایمیلی - اندونزیایی بود که عموماً مردم آن را آپاکابار Apakabar می‌نامند و توسط جان مک دوگل در مرلند آمریکا به اعتدال رسید. در سال ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ آپاکابار توسط بسیاری از فعالان انجمن « ان جی او » NGO به عنوان ابزاری ارزش مند برای انتشار و ترویج مطالب و منبعی حساس و مهم (سرنوشت‌ساز) برای اخبار محلی و بین‌المللی سانسور نشده، شناخته شد. همان طور که یکی از نویسندگان دانشگاهی در اندونزی معتقد است: « لیست مکانیسمی فوق‌العاده‌ای که به وسیله آن، عقاید و افکارمان را به شکل آزاد و کاملاً باز ابراز می‌کنیم. »

با مک دوگل برای اطمینان و ناشناس ماندن مشترکان آپاکابار، مشخص کردن دقیق تعداد افرادی که به لیست‌های ارسالی (میل) دست رسی داشتند، غیر ممکن بود. حدود اواخر سال ۱۹۹۵ جان مک دوگل شمار دریافت کنندگان (گیرندگان) قابل شناسایی مطالب آپاکابار را حدود ۱۳/۰۰۰ اعلام کرد که غالب آنها اندونزیایی‌های ساکن کشور خودشان بودند و در رتبه بعدی اندونزیایی‌هایی که در خارج زندگی یا تحصیل می‌کردند. این آمار مربوط به قبل از رونق و شکوفایی علایقی که با رویداد ۲۷ جولای ۱۹۹۶ به وجود آمد و رجوع‌های بعدی به آپاکابار قبل از فشار اندونزی است. اواخر سال ۱۹۹۵ چند مقاله در رسانه‌های چاپی مهم و عمده ملی، توجهات و انظار را به آپاکابار متوجه ساخت، مخصوصاً که اخبار حساس سیاسی با سرعتی زائد الوصف به وسیله آن انتشار می‌یافت. برای نمونه، هفته نامه گاترا Gatra نوشت: « دست گیری و آزادی برخی فعالان برجسته » که این مطلب روی آپاکابار ساعاتی موجود بود، اما به دلیل سرعت بالای انتشار خبر، امکان ارایه مدارک و اوراق هویت محلی تا فردا صبح وجود نداشت.

ارجاعات فراوانی به آپاکابار در رسانه‌های چاپی اندونزی می‌شد، آن هم به دلیل ضعف ناشی از رویداد ۲۷ جولای که به صورت کارآمدی لیست را تبلیغ می‌کرد. برای نمونه، رپابلیکا برخی از قطعات شورشی و آشوبی را مورد توجه قرار می‌داد که این مقاله به وسیله جان مک دوگل طبق آدرسش (apakabar@clark. net) منتشر و اعلام شده بود و از قول آنها دیدگاه‌های سازمان‌های رادیکالی همچون اتحادیه پرو - دموکراسی و (پی جار) را در مورد حادثه ۲۷ جولای نقل کرده بود.

در ساعات اولیه حمله ۲۷ جولای بر صدر خبرهای پی دی ای PDI، آپاکابار جزئیات گاه‌شماری وقایع و مسائل بر ملا شده را در اختیار مخاطبان قرار می‌داد. پی دی ای،

خود، بر آپاکابار درخواستی غم‌انگیز از (آدرس اینترنتی Pdi. megawati@indonesia. raga) منتشر کرد که می‌گفت: « خواهان و برادران، جزئیات حمله و شورش را تا آن‌جا که ممکن است در سراسر کشور به وسیله ایمیل یا پرینت آن انتشار دهید، زیرا در حال حاضر تمام سرویس‌های اطلاعاتی (روزنامه‌ها - تلویزیون و غیره) مجبورند آن چه را که واقعاً اتفاق افتاده منتشر نکنند.

در مقایسه پوشش خبری حادثه ۲۷ جولای به وسیله آپاکابار با دو روزنامه اندونزیایی و استرالیایی شارون نیکل این گونه نتیجه‌گیری می‌شود که آپاکابار کارکردی علاوه بر نامحدود بودن زمانی و صحت گزارشات، برابر چهار مرکز انتشارات چاپی دارد. زمانی که کافه‌های اینترنتی یوگیا کارتا شش هفته بعد از شورش ۲۷ جولای جاکارتا، در یوگیا کارتا بازگشایی شدند، تعداد مشتاقان اسکن کردن اطلاعاتی که به اجبار شده بود از دست رس مردم در رسانه‌های ملی خارج شدند بسیار بالا بود. آمار پوجایو رقم ۴۰٪ مشتریان اندونزیایی را نشان می‌دهد که آپاکابار را جست‌وجو می‌کردند و به طور مدام و منظم آن را بررسی می‌کردند. در همان هفته‌های نخست، هر دوی کافه اینترنتی‌های شخصی در یوگیا اطلاعات را در اختیار مشتریان قرار می‌دادند تا بتوانند به آپاکابار متصل شوند.

مسأله تکنولوژیکی سانسور پیام‌های جاری بر اینترنت کاملاً شناخته شده بود. کسانی که اینترنت را به کار می‌گیرند تا اطلاعات سیاسی حیاتی، مهم و بحرانی را منتشر کنند، مطمئن بودند که اگر خطی توسط دولت قطع شود، اطلاعات می‌تواند مجدداً توسط چندین گره (کامپیوتری) node دوباره متصل شود؛ اگر دولت پایگاهی محلی یا گروه انتشارات خبری را توقیف کند، پایگاه یا گروه دیگری در محل دیگری شروع به کار خواهد کرد. نمونه‌ای از قدرت و توانایی اینترنتی برای به چالش کشیدن حکومت نظامی و محاصره پلیسی که به وسیله « نظم جدید » شکل گرفته بود، حضور مستمر حزب ملی دمکرات (PRD) (Partai Rakyat Demokratik) بود. حزب کوچک دانشجو - محوری، طرفدار - کارگر که توسط برنامه‌ریزان شورش ۲۷ جولای رهبری می‌شد، علی‌رغم سرکوب رهبران بر PRD پس از ۲۷ جولای، دست‌گیری رهبران حزب و مزاحمت و آزار، تهدید و ارباب در مورد درجه و پرونده، حزب بر حضور خود در اینترنت و آپاکابار از یک «ای اس پی» خارج اندونزی ادامه داد، تا حضور سیاسی ملی و بین‌المللی خود را حفظ کرده و صدایش را به گوش دولت برساند. سخن‌گوی نظامی جنرال لیوتننت در مورد مسایل سیاسی و اجتماعی، این حضور را در جلسه‌ای با اعضای مهم «ان جی ا»های جاکارتا و مراکز و مؤسسات دینی، مذهبی حرفه‌ای چند هفته

بعد از ۲۷ جولای متذکر شد. وی ابراز داشت که قدرت قابل توجه « پی آر اوها » در فعالیت‌هایش بر اینترنت کاملاً مشهود است. نوشته‌های آنها هفته‌ای دست کم دو بار چاپ می‌شود. اگر آنها آماده‌اند که در اینترنت حضور یابند، نشان دهنده قدرت آنهاست که اگر قوی نبودند قابل رؤیت نیز نبودند. حضور مجازی سیاسی معادل و هم‌سنگ سیاست‌های واقعی هر دو جناح بود که سرسختی و شکست‌ناپذیری اینترنت که رادیکال‌های مجازی را حفظ کرده و از طرفی محدودهای قدرت نظم جدید را مشخص می‌کرد، به وجود آورده بود.

خط‌مشی و سیاست بر اینترنت

آهنگ دگرگونی تکنولوژی و ارتباطات جهانی دهه ۱۹۹۰ موجب پیدایش شکل‌های منظم ملی و بین‌المللی زیادی از جمله دولت **نظم جدید**، شد. اینترنت، هم‌چنین، مشکل متفاوت دیگری در زمینه تقسیمات دپارتمانی دولت اندونزی ایجاد کرد که آیا واسطه‌ای اخباری است که اساساً زیر نظر وزارت اطلاعات باشد و یا این که نوعی گسترش خدمات پستی تحت نظارت جهان گردی، پست و ارتباطات باشد؟ اینترنت نیز، همچون رادیو و تلویزیون به مسئولیت دو وزارت دیگر پیوست، اما همان گونه که در بخش‌های پیشین ذکر شد، تاریخ داستان تأسیس هر دو رسانه الکترونیکی مسئولیت نخستین انضباطی را در دست وزارت اطلاعات قرار داد. در خصوص اینترنت، مدیریت وزارتی همچنان مبهم باقی ماند.

سیاست، تفاوت و امتیازها میان وزارت‌هایی که در واقع تمایلات درون بروکراسی اندونزی را از اواسط دهه ۱۹۸۰ منعکس می‌کردند، برای ارائه پاسخ به ایده و تکنولوژی جهانی شدن، قائل بودند. در دهه اخیر، حکومت سوهارتو وزارت دفاع و دیگر وزارت خانه‌های امنیتی در جست‌وجوی سنگر و مانعی در مقابل تأثیرهای جهانی شدن بودند. در حالی که وزیران اقتصادی، وجوه مثبت زیادی از جهانی شدن را به عنوان گشایش‌های نو و جدیدی برای رشد و توسعه می‌دیدند، وزارت اطلاعات به عنوان یکی از وزارت خانه‌های قدرت مند **نظم جدید** که مسئول سانسور و تبلیغ بود، در طبقه‌بندی اولی جای داشت. وزارت خانه توریسم، پست و ارتباطات، همان وزارت جدیدی که در سال ۱۹۸۳ به وجود آمده بود و کار اصلی آن، خدمات بین‌المللی و توسعه بود، در طبقه‌بندی « بعدی » قرار داشت. حکومت اندونزی بین دو موقعیت شبیه بسیاری از کشورهای منطقه قرار داشت؛ در عین این که قادر به توسعه توان شبکه کامپیوتری بود، سعی داشت تماس‌ها و اطلاعات اینترنتی را کنترل کند. اوایل دهه ۱۹۹۰ وزارت خانه جهان گردی، پست و ارتباطات، تکنولوژی‌های اطلاعاتی را به

اضافه پتانسیل اقتصادی‌شان با شور و اشتیاق جذب کردند. وزارت خانه‌های اطلاعات، دفاع و امنیت که اساساً مرتبط با نظارت، و کنترل اطلاعات جاری هستند، با تکنولوژی‌های جدید امکانات بیشتری می‌یافتند.

پیش‌بینی خدمات اینترنتی به PT تل کوم یونی کاسی TeleKomunikasi اندونزی (TelKom) (شبکه تلفنی ملی) و PT Indosat، وظایف ارتباطات بین‌المللی، که هر دو تحت نظارت وزارت خانه جهان گردی و پست و ارتباطات بودند، وابسته بود. در جدول ۱۹۹۶ که گسترده‌ترین و بهترین عملکرد و خدمات به عموم مردم کشورها را (با عنوان SWAT) لیست کرده بود، اندونزی رتبه چهارم و تلکوم TeleKom چهل و یکم را به دست آورده بود. علاوه بر اقدامات اولیه دولتی برای خصوصی‌سازی نسبی اوایل سال ۱۹۹۶ تلکوم به PT Pos اندونزی و STT Telkom دانشکده تکنولوژی ارتباطات با تأسیس شبکه واسانتارا Wasantara net خدمات اینترنتی با ظرفیت بالایی ارائه کرد و بعد از آن در تمامی نقاط کشور آن هم با نودهای (Nod) محلی در مراکز استان و شهرهای مهم دیگر. اواسط دهه ۱۹۹۰ وزارت جهان گردی، پست و ارتباطات که بر توسعه انبوه زیربنایی توسعه نظارت داشت، ناگهان با منحنی افزایش تعداد و گوناگونی خدمات تلفنی روبه‌رو گشت. راهنمای تجاری کشور اندونزی در سال ۱۹۹۷ - که به سفارش سفارت آمریکا در جاکارتا برای بازرگانی آمریکایی مهیا شده بود - ارتباطات را به عنوان، بخش رشد و توسعه اساسی و بنیادین نام برد و سیستم کامپیوتری و تجهیزات ارتباطاتی را به صورت افتخاری درجه یک و دهم در طبقه‌بندی بهترین چشم‌انداز برای صادرات آمریکا در بخش غیر کشاورزی درجه‌بندی کرد. انقلاب ارتباطات جهانی، وزارت جهان گردی، پست و ارتباطات را از مرکزی خدماتی به وزارت اقتصادی مهمی ترقی داد که لبه تیز تکنولوژی جهانی را مدیریت می‌کرد. اینترنت به خودی خود نسبتاً بخش کوچکی از این امپراتوری رو به رشد بود. امپراتوری که کاملاً همراه بخش ارتباطات دیجیتال رو به رشد بود.

برای نیروهای مسلح (ABRI) و وزارت دفاع و امنیت (HANKAM) تنها اهمیت اینترنت، پتانسیل کاربرد سیاسی آن بود. انتقادهای زیادی از **نظم جدید** در آپاکابار می‌شد، مثل آن که گروه جنبشی ادعا می‌کردند که اینترنت، عملاً با «اندونزی همیشه خاموش» مقابله و مخالفت می‌کند. عدم توانایی بستن یا سانسور خروجی آن، موجب شد که ارتش فعالیت‌هایی بر ضد تبلیغاتی در اینترنت انجام دهد. در اکتبر ۱۹۹۵ ABRI تأسیس بخش اینترنتی ویژه‌ای را برای روی خط رفتن (online شدن) با عنوان ABRI net / HANKAM اعلام کرد. گویا هدف آن، تصحیح اشتباهات و غلط‌های

اطلاعات بین‌المللی در مورد اندونزی بود. بسیاری معتقد بودند که هدف حقیقی ارتش خارجیانی نبود که به اشتباه آن را می‌گیرند؛ بلکه به صورت محلی اطلاعاتی را جمع‌آوری می‌کرد که صحیح بودند، اما تفاسیر دولتی را نقض و مخالفت می‌کردند و بر لیست‌های میلی همچون آپاکابار (KDP) (Apakabar) نت، Siar و دیگر اتحادیه‌های خبری مجازی که در سال ۱۹۹۶ به وجود آمدند، نظارت و جریان داشت. سایت شبکه ارتش ABRI هیچ‌گاه برای ایجاد بدبینی یا شهرت اجتماعی تلاشی نکرد.

اما فعالان سیاسی به صورت چشم‌گیری معتقد بودند که غالب موضوعات دولت قبلی بر بولتن‌های رایج یا لیست‌های ایمیلی از بخش اینترنتی ABRIs ناشی می‌شدند. یکی از روزنامه‌نگاران آن را به عنوان جنگ اطلاعاتی ارتش ABRI در فضای مجازی توصیف کرد.

وزارت اطلاعات که مسئولیت رسمی ارتباطات اینترنتی را بر عهده داشت برای واکنش نشان دادن آرام‌تر و کندتر بود. این وزارت که پیوسته با رسانه خبری، مثل رادیو و تلویزیون کار می‌کرد، به نظر می‌رسید که برای همکاری با یک رسانه مشکلاتی دارد؛ رسانه‌ای که قدرت انتشار اخبارش از تمامی رسانه‌های دیگر پیشی گرفته است؛ چرا که هر خبر و پیغامی را می‌تواند فوراً به تمام نقاط دنیا ارسال کند و در عین حال می‌تواند با آسانی به یک واحد شخصی تبدیل گردد. برای نمونه، صفحه خانگی کمپس Kompas می‌تواند با یک دستگاه کامپیوتر و مودم و یک خط تلفن در هر جای دنیا در دسترس هر کسی قرار گیرد.

شبکه خبررسانی بیل (Bill) برخی اغتشاشات اینترنتی را اعلام کرد. زمانی که پیش‌نویس وزارت اطلاعات از Bill به مجلس در ماه می ۱۹۹۶ تقدیم شد، اینترنت حتی ذکر هم نشده بود. برای بیل (Bill) طراحی شده بود که پیش‌نویس کنترل رسانه‌های الکترونیکی پیش‌تر را همچون رادیو و تلویزیون به عهده گیرد. در طی گفتگوهای طولانی در کمیته خانگی (House Committee) که تا دسامبر ادامه داشت، اعضا کوشیدند اینترنت را نیز جزء ساختار کنترل موجود بشمارند که برای رادیو و تلویزیون اجرا می‌شد، (با همان سیستم کنترل شود) اصطلاح اینترنت دیگر ذکر نمی‌شد. در واقع آن زیر سرویس اطلاعات (Jasa Layanan informasi) فروریخته و ویران شده بود. غالب تأمین و تدارک این کار در حیطه خبری، زبان اخبار، نسبت و بخش موضوعات خبری خارجی و غیره کاملاً غیر قابل مقایسه با روشی که اینترنت داشت، بودند.

این امر نیز معلوم نبود که آیا Lembaga Penyiaran شرکت‌های خبررسانی وجود داشتند که طبق مجموعه Bill مسئول عمده جزئیات خبررسانی به ISP‌های که حامل

اطلاعات اینترنتی مراجعه می‌کردند یا به صورت انفرادی‌ها و مؤسساتی که صفحات خانگی ارائه می‌کردند یا اساساً لیست‌های ارسالی تعدیل شده را ارائه می‌کردند. ولی می‌توان گفت تا آن‌جا که مربوط به اینترنت می‌شود Bill احتمالاً غیر قابل اجرا و کارآمد بود.

مأموران وزارت اطلاعات در گفتگوهای ASEAN متشکل از کشورهای آسیای جنوب شرقی سنگاپور در سپتامبر ۱۹۹۶ که درباره کنترل اینترنت بود، شرکت جستند. اما با وجود فعالیت‌های سریع‌السیر برای اصول کنترل‌های جدی که در چنان مناظراتی به توافق رسید، وزارت اطلاعات اندونزی هیچ گاه ابزاری قانونی و تکنولوژیکی برای کنترل مستقیم کاربرد اینترنت و استفاده یا محدودیت و قید و بند سایت‌های خصوصی آن گونه که دولت سنگاپور عمل می‌کرد، در دست نداشت.

همان گونه که با دیگر رسانه‌ها عمل می‌شد، بسیاری از کنترل‌ها و سانسورهای اینترنتی مخفیانه و خارج از سازمان‌های دولتی شناخته شده، انجام می‌شد. در هفته‌های بعد از واقعه ۲۷ جولای سوء ظن کنترل و نظارت پیام‌های اینترنتی درون و یا خارج اندونزی شیوع یافت.

پست جاکارتای انگلیسی زبان یک سری از نامه‌های کسانی را که در مورد اشکال مختلف کنترل و نظارت (فضولی) اینترنتی شکایت داشتند، در این ایام چاپ کرد. که سه سرور TPOLA, TPTEK و Wasantara به دلایل مختلفی مختل شده بودند که این خود ناشی از بمباران نامه‌ای و انبوه بی شمار پیام‌هایی بود که عمداً ارسال شده بودند تا سرور، خراب شده و آسیب ببیند. در چهارم آگوست مراجع تی پی تی‌ای کی نت اطمینان دادند که مشکلات آن‌ها ناشی از چنان بمب پستی بوده است.

سپس در هفته‌های بعد از استعفای سوهارتو، هر گونه مداخله‌ای بر عبور و مرور اینترنتی داخلی یا خارج اندونزی باعث افزایش بالا گرفتن کابوس نظارت و تجهیزات امنیتی برای سرکوبی اطلاعات بود.

ISPها با قطعی کردن این که آشکارا مورد سؤال قرار گیرند یا به شکل نامعقول و نسنجیده‌ای دست رسی عمومی به سایت‌های مشهور و معروف یا حتی انواع اطلاعات را ببندند، مخالف بودند.

این صنعت، تکنولوژی کنترل تبادل اطلاعات را بر روی خطوط پرسرعت داشت. ISPها سایت‌هایی را که مشتریان آنها وصل می‌شدند و در بیشتر موارد پیغام‌هایی که از طریق آدرس‌های ایمیلی در جریان بودند، می‌توانستند کنترل کنند. برای نمونه، می‌توان در یک اطاق کامپیوتر، یک ISP نصب کرد و از طریق مانیتوری تبادل اطلاعات

را از طریق ISP لحظه به لحظه مشاهده کرده. در حالی که توانایی تکنولوژیک برای چنین کنترلی موجود بود، تلاش‌ها به صورت استثنایی بالا گرفت و تکنسین‌های ISP‌های ذکر شده مصر بودند که [نشان دهند] هدف و علاقه آنها جاسوسی نیست. به هر حال، شایعات بسیار زیادی همان طور که در مورد ایستگاه‌های روزنامه‌ای و تلویزیونی وجود داشت، در مورد کارمندان خبرچین و جاسوسان امنیتی که در ISP‌ها استخدام شده بودند، تا اطلاعات را کنترل کرده و به وزارت اطلاعات گزارش دهند، نقل می‌شد.

بخش دهم قانون نشر اخبار که تلاشی برای قانونی کردن چنین اشکالی از نظارت می‌باشد، بالاخره به وسیله رئیس جمهور در اکتبر ۱۹۹۷ به ثبت رسید. عنوان « تحقیق، بازجویی » و عبارت « غیر پلیس »... افراد غیر نظامی مستخدمان وزارت‌هایی بودند که وظیفه‌شان خبر رسانی بود و اختیارات ویژه‌ای به عنوان بازپرس و محقق تحت قانون شماره هشت سال ۱۹۸۱ از کد جنایی « Hukum Acara pidana » دریافت کرده بودند. وظایف یک بازپرس غیر نظامی دریافت گزارش‌ها یا شکایات از افراد شامل رفتارهای جنایی در حوزه اخبار و بازجویی و گرفتن اثر انگشت متهمان بود. این بخش علی‌رغم مخالفت‌های شدید نمایندگان PDI حفظ شدند؛ همان نمایندگان که تحقیقات جنایی جدی را برای پلیس بررسی می‌کردند.

همان طور که توضیح داده شد، سانسور در رسانه‌های اندونزی، به ویژه از اوایل دهه ۱۹۸۰ بر اثر خودسانسوری در صنایع رسانه‌ای، درباره اعمال منسجم و دائمی دولت مؤثرتر و کارآمدتر بود، اما خود سانسوری متوقف بر تهدید به مجازات بود و تعیین مورد مجازات در اینترنت نیز کار آسانی نبود. چه کسی به سبب پیام‌های ضد دولتی و انتقادی می‌بایست مورد سرزنش قرار می‌گرفت؟ نویسنده؟ ISP که از طریق آن پیغام منتقل شده بود؟ خواننده و مخاطب که پیغام را از یک وبسایت دانلود کرده بود؟ علاوه بر این، در صنایع جدید اندونزی که از جریان و تبادل اطلاعات منع نشده بود، ISP‌هایی که وجود داشت همگی نیازمند رقابتی بین‌المللی برای مطمئن کردن مشتریان به صحت و دست رسی مطمئن به اطلاعات بودند. از طرف دیگر، به دلیل قیمت بالای یک تماس تلفن بین‌المللی، مشتریان اندونزیایی استفاده از ISP‌هایی که در خارج از کشور اندونزی قرار داشتند، ترجیح می‌دادند. بسیاری از کاربران اینترنت، مثل لیست‌های ارسالی (mailing) نیمه زیرزمینی به خوبی و به همان اندازه وبسایت‌های قانونی روزنامه‌ها و مجلات از ISP‌های خارجی استفاده می‌کردند. آخرین وزیر اطلاعات سوهارتو، علوی داهلان (Alwi Dahlan)، تنها کسی بود که یک هفته پیش از فروپاشی

حکومت رئیس جمهور به خبرنگاران خارجی گفت: « من نمی دانم شما چگونه اینترنت را کنترل کردید ! »

سیاست های محلی، اطلاعات جهانی

در چند هفته آخر رژیم سوهارتو، همان گونه که مخالفت در مقابل نظم جدید رشد می کرد، شهروندان اندونزیایی آزاد بودند که بدون هیچ ممنوعیتی به زبان اندونزیایی یا انگلیسی با وبسایت ها و لیست های ارسالی بر ISP های نقاط مختلف جهان، ارتباط داشته و تبادل اطلاعات کنند. اما رابطه میان آزادی بیان در اینترنت و دموکراسی در سطح مجلس و خیابان های اندونزی نه آشکار است و نه مستقیم. در این جا به گزارش اینترنتی شورش سال ۱۹۹۶ در شهر کوچکی در جاوا می پردازیم و نشان خواهیم داد که اینترنت قبل از فروپاشی رژیم سوهارتو، وسیله ای برای خبرسازی و نقل رویدادها و تفسیر وقایع به خوبی در دست رس مردم بود؛ علاوه بر آن که به لحاظ کیفی از رسانه های ملی قدیم تر، مثل تلویزیون و روزنامه متفاوت بود.

دهم اکتبر ۱۹۹۶ محاکمه فوق العاده مسلمانان - اهانت و توهین به اسلام - توسط هزاران مؤمن و مسلمان در جاوای شرقی East Java شهرستانی از سیتوبوندو Situbondo رأی باطل و ناکارآمد اعلام شد و در نتیجه خشم آنان در خیابان ها ظاهر شده و به کمیته مسیحیان انجامید.

دقیقاً پس از آن که آشوب به وسیله نیروهای امنیت منطقه سرکوب شد، روزنامه های ملی اندونزیایی صبح دوازدهم اکتبر خبرها را اعلام کردند. رونامه مهم و اصلی کومپاس Kompas گزارشی مفصل در صفحه نخست چاپ و منتشر کرد که به گزارشی از شورشیان پرداخته بود. در مورد موضوعات اطلاعاتی مربوط به حادثه Kompas این گونه گزارش شد که: ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر از سیتوبوندو Situbondo و شهرهای همسایه و نزدیک، پس از اعلام دادگاه آنچه را به نظرشان رأی نامناسبی در مقابل توهین به مقدسات آنان و کفر بود، بیرون ریختند. ماشین ها و ساختمان های بسیار زیادی - از جمله دادگاه محلی منطقه - به آتش کشیده شدند. بعد از آن مردم به دیگر ساختمان های اطراف شهر، مثل مدارس و کلیساها و معبد چینی ها هجوم بردند. در عین این که جزئیات آشکار و واضحی مشخص کرده بود، ولی یک هشتم اتومبیل هایی که مردم سوزانده بودند، اعلام نشده بود. علاوه بر جزئیات مدارس و کلیساهایی که ویران شده بودند، ضمن این که نامی از شهرهای دیگری که تحت تأثیر آشوب قرار گرفته بودند آورده نشده بود. حتی در هفته های بعد، کومپاس Kompas اخبار یا قطعات نوشتاری مربوط به مسائل روز سیتوبوندو Situbondo را اعلام می کرد؛ اما همه اخبار و

رویدادها از جا کارتا آغاز و منتشر می‌شد و دیدگاه‌های وزرا و گزارش‌گران اجتماعی درباره راه‌های حفظ و پابرجایی نظم اجتماعی و ملی را ارائه می‌کردند. حتی پوشش خبری آن از ملاقات تجسسی کمیته حقوق بشر ملی از منطقه جزئیات بیشتری در مورد حادثه جاوای شرقی East Java ارائه نداد.

به هر حال، در اینترنت مجموعه بسیار بزرگی از جزئیات محلی ظاهر می‌شد. در یک روز آشوبی مؤسسه‌ای چتری، تریبون آزاد یا انجمن مسیحیان سورابایی (Surabaya FKKS) که شامل سازمان‌ها، بنیادها و مؤسسات مختلف مسیحی در سورابا و جاوای شرقی می‌شد، مطلبی را منتشر کردند که جامعه مسیحیان جهان را مخاطب قرار می‌داد، آن هم از طریق یک صفحه خانگی اینترنت آمریکایی - FICA نت. این مطلب را روز بعد آپاکابار انتخاب کرد. و در هفته‌های متوالی تریبون آزاد FKKS چندین جمله و اعلامیه دیگر را در مورد حادثه سیتوبوندو Situbondo بر اینترنت جای‌گزین کرد.

گزارش‌های FICA نت، جزئیات گرافیکی از آشوب ارائه می‌کرد که حدود ساعت ۱۰ پیش از ظهر در سیتوبوندو آغاز شده بود و در بعد از ظهر نیز به شهرهای همسایه بیسوکی - ۲۰ کیلومتری در فاصله - پناروکان (Penarukan)، آسم باگوس (Asem Bagus) - در فاصله ۳۰ کیلومتری - و ونورجو (Wonorejo) کشیده شده بود.

آشوب‌گران ۲۴ کلیسا را به اضافه یک معبد بودائیان، چهار مدرسه و یک یتیم‌خانه مسیحیان را ویران کرده بودند. ساختمان‌ها و مکان آنها در گزارش ذکر شده بود. پنج نفر کشته شده بودند: یک وزیر مسیحی با خانواده‌اش شامل یک فرزند شش‌ساله. سیستم زمان‌سنجی و زمان‌نگاری بر FICA نت در شانزدهم اکتبر نصب شد که حوادث را ساعت به ساعت ثبت می‌کرد، حتی شعارهایی که توسط آشوب‌گران سروده می‌شد.

در هفدهم اکتبر، انجمن مسیحیان FKKS نامه‌ای به جامعه مسیحیان سراسر دنیا ارائه داد که مطالبه دعا و کمک‌های مالی (مطالبات مادی - معنوی) داشتند. بلافاصله بعد از ظاهر شدن این مطلب « پس از دریافت این نامه لطفاً آن را به دیگر دانشجویان در منطقه خودتان برسانید. » بر FICA نت به وسیله آپاکابار در ۲۲ اکتبر به سراسر دنیا ارسال شد. البته جزئیات آن در ماه‌های بعدی به روز می‌شدند. این سایت که شامل عکس‌هایی از حادثه، زمان‌نگاری وقایع، لیستی از مقالات روزنامه‌های انگلیسی و اندونزیایی زبان، پیغام‌هایی از مکان‌های مرتبط بر FICA نت، بود اطلاعاتی در مورد « افعال نیایشی»، نظاره پروژه « کتاب باز » - که شامل گزارشات شاهدان منطقه می‌شد - و همچنین اطلاعات جزئی از کسانی که می‌خواستند کمک‌ها و هدایایی به قربانیان

داشته باشند، ارائه می‌داد.

اینترنت نیز همچون تریبونی برای تبادل نظر و گفت‌وگو عمل می‌کرد. جلانتیک پادمونو (Jelantik Padmono)، جزئیاتی از آشوب‌های سیتوبوندو را بر لیست (ایمیلی) دیگری، پاروکی نت در یازدهم اکتبر نمودار کرد که روز بعد بر آپاکابار نیز ظاهر شد و موجب شد کسانی که خود را مسلمان معرفی می‌کردند روحیه و جرئت بگیرند. گاگاک ریمانگ در سیزدهم اکتبر ۱۹۹۶ دلیل تأکید و اصرار بر کلیسا سوزی در گزارش‌های اینترنتی را مورد سؤال قرار داد و به دنبال توضیح موضوعات و عوامل محلی بود که جرقه آغازین حادثه بودند. چه مشکلی میان سوله Soleh (کسی که هتک حرمت‌ها و افتراها به او نسبت داده می‌شد) و کیای ارسیاد Kyai Arsyad (کسی که کیای عالی محلی در نظر گرفته می‌شد و ظاهراً مورد افترا قرار گرفته بود) وجود داشت؟ مُواز Muaz در حالی که بر احساسات‌گرایی گزارش‌های FICA نت منتقد بود. رفتار آشوب‌گران را عصبانیت و خشمی توصیف کرد که در مقابل توهین به مقدسات و امور مقدس ابراز شده بود. در کنار گزارش‌های روشن شورشیان FKKS، اینترنت مکانی برای تحقیق، پرس‌وجو و بررسی آنچه داخل و اطراف سیتوبوندو اتفاق افتاده بود، به شمار می‌آمد.

گاهی نیز FKKS در اثر فشارهای ملی سر بر می‌آورد، اما تنها به عنوان حزبی مورد علاقه و بدون ذکر جزئیات اسناد و مدارکی که جمع‌آوری و تنظیم کرده بود یا مسائل بی‌شماری که افشا کرده بود. همان گونه که یکی از سخن‌گویان FKKS توضیح داد: به دلایل مختلفی، غالب اطلاعاتی که FKKS به روی اینترنت می‌آورد، در یک رسانه گروهی عادی و معمولی - مثل مطبوعات، رادیو و تلویزیون - تألیف و انتشار نیافته بود. هیچ یک از نشریات و آثار ما، مثل زمان نگاری وقایع، بیانیه مطالبات و گزارش‌های دیگر، هرگز در رسانه‌های گروهی اعلام نمی‌شد؛ هر چند ما کپی‌هایی از نسخه‌های موجود را به وسیله فاکس برای آنها ارسال می‌کردیم. انجمن مسیحیان سورابایی FKKS به وسیله انجمن مسیحیان جهان از طریق اینترنت دقیقاً شناخته شده و می‌توانستند گزارش‌های خبری صریح Lugas را در مورد خرابی‌هایی که اخیراً برای کلیساها اتفاق افتاده از انتشارات FKKS در اینترنت دریافت کنند و این در حالی بود که این اخبار با این جزئیات بر رسانه‌های گروهی متعارف منتشر نمی‌شود.

دربارهی مواقع، اندونزیایی‌های داخل کشور که تنها به تلویزیون و رادیو و روزنامه دست رسی داشتند، اطلاعات کاملی از خرابی‌هایی که اتفاق افتاده بود، به دست نمی‌آوردند؛ مثلاً تعداد و اسامی کلیساهای درگیر حوادث و یا عمق مسأله را

نمی‌دانستند؛ از جمله به خرابی ده کلیسا در سورابایا در نهم ژوئن ۱۹۹۶ هیچ گونه اشاره‌ای در رسانه‌های عمومی محلی نشده بود، که این خود گواهی بر فشار کنترل مؤثر و سانسور قوی در اندونزی است.

منظور ما هم آن نیست که آن جزئیات محلی صحیح‌تر یا با ارزش‌تر از اخباری است که توسط رسانه‌های گروهی رسمی پوشش داده می‌شود. واژه «محلی» و «بومی» به سادگی از رسانه‌های رسمی حذف شد و آنچه استاندارد عمومی پایتخت بود، جایگزین آن شد. به هر حال، اطلاعات و دانش محلی رسانه‌های ملی را دور زده (در جریان قرار نمی‌دهند) و جهانی می‌شوند.

نتیجه‌گیری

در ماه‌های آخر حکومت سوهارتو، جریان مسائل سیاسی بر اینترنت چندان رضایت‌بخش نبود، اما احساس مصونیت ایجاد شده بود. آزادی مطلق اینترنت، یادآور مستمر آزاداندیشی و وسعت در رسانه‌های دیگر است. امکانات و تجهیزات اینترنتی دانشگاه‌ها، برای اهداف آکادمیک و آموزش تنظیم شده بودند تا فعالیت‌های سیاسی دانشجویان را در اقصی نقاط کشور سازماندهی کنند. این زیربنا (زیربنای اقتصادی) را دولت نظم جدید ایجاد کرد تا اقتصاد کلان را یاری رساند. گروه‌های کوچک و متفاوت نیز برای انتشار دیدگاه‌ها و اطلاعاتشان به همان راحتی مورد بهره‌برداری قرار دادند.

همان گونه که مهارت انسان محوری که به وسیله حبیبی شکل گرفت، تکنولوژی را به دور افکند، سیاست‌های آموزش نظم جدید تکنسین‌هایی به وجود آورد، که هم در آسمان خراش‌های جاکارتا و هم در گروه‌های کوچک در طراحی فعالیت‌های اجتماعی سراسر کشور حضور داشتند. فارغ‌التحصیلان با هوش ISP‌هایی شبیه راپ‌نت و انتشاراتی‌هایی، مثل تمپو اینتراکتیف وجود آوردند. سرعت توسعه، تعدد و بی‌نظمی نقل و انتقال اطلاعات بزرگ راه اطلاعات، کافی اینترنت اندونزی، پلیسی کردن آن را ناممکن ساخت و در نتیجه، سانسور و قید و بندها آزادی بیانی که به وسیله دولت نظم جدید وضع شده بود در هم شکست.

بحث این نیست که اینترنت و توانایی آن برای زیر پا گذاشتن و در نوردیدن مرزهای ملی، یکی از عوامل سقوط قدرت سوهارتو بود، بلکه بحث آن است که آن قدرت تجاوزگر (توانایی فوق‌العاده ارتباطات) با تلاش فراوان نیروهای مخالف، مهار شد. مخالفانی که به وسیله حکومت سرکوب‌گر به وجود آمده بودند. تکنولوژی فوق‌به صورت گسترده‌ای می‌توانست برای مقاصد و اهداف گوناگونی مورد استفاده قرار گیرد،

اما در اقتصاد، اندونزی بحران زده، خطوط شبکه مشترک و متحد، که با ISPها تبلیغ می‌شدند از خطوط شبکه‌ای و خطوط مشتریان دانشجوی موتور سوار عصبانی کم‌اهمیت‌تر به نظر نمی‌رسیدند. همان افرادی که در خیابان‌ها روزهای پیش از استعفای سوهارتو رژه می‌رفتند. با وجود رفع ممنوعیت از دست رسی عمومی به پست الکترونیک (ایمیل)، اینترنت برای بیشتر اندونزیایی‌ها در دست رس نبوده و نخواهد بود. آن هم نه فقط به سبب فشار و ساختار اقتصادی، بلکه به این دلیل که کاربرد آن وابسته و متکی به درجه‌ای از فهم، سواد، زبان، ادبیات و تکنولوژی می‌باشد. در این صورت وظیفه و کاربرد سیاسی اینترنت به وسیله طبقه متوسط در حال رشد مردم و نارضایتی آنها تعریف و شناخته می‌شود، البته از زاویه دیگر، تعریف اینترنت در اندونزی به عنوان واسطه و ابزاری سیاسی نه تنها توسط تکنولوژی پرسی Per Se بلکه توسط آژانس‌های سیاسی، بخشی از جامعه اندونزی مستقل و با ثبات شد.

